

پیام تبریک دبیرکل حدکا به رهبر حزب کارگر بریتانیا

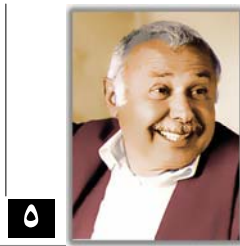
دوست گرامی "اد میلیبند" Ed miliband
مطلع شدم که روز شنبه ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۰ در کنگره حزب کارگر، جنابعالی به عنوان رهبر جدید حزب انتخاب شده‌اید.
به همین مناسبت ضمن ابراز خرسندی، از سوی خود و تمامی اعضاء رهبری حدکا، این انتخاب را به جنابعالی تبریک عرض می‌نمایم.
با این امید که تحت رهبری شما روابط دوستانه‌ی موجود میان حزب کارگر بریتانیا و حزب دمکرات کردستان ایران (حدکا) عمیق تر و شکوفا تر گردد.
با صمیمانه‌ترین درودها، موفق و کامیاب باشید.
حزب دمکرات کردستان ایران
دبیرکل مصطفی هجری
۲۶ سپتامبر ۲۰۱۰



توهم و دروغ،
ارمنان
احمدی‌نژاد
برای جهان



بازخوانی
معضلات معلمان
در روز جهانی
معلم



در سایه سرای
درختان باغ
وزارت



گفتگوی
روزنامه‌ی
کوردستان با
آقای حسن
شرفی

حزب دمکرات تحریم تازه‌ی آمریکا را اقدامی شایسته می‌داند

حزب دمکرات کردستان ایران طی بیانیه‌ای از تصمیم تحریم هشت مسئول نظامی و دولتی جمهوری اسلامی ایران توسط دولت آمریکا استقبال کرد. این هشت نفر توسط دولت آمریکا به عنوان کسانی که "در نقض حقوق بشر و سرکوب مردم ایران" در جریان اتفاقات بعد از به اصطلاح انتخابات دور دهم ریاست جمهوری نقش داشتند، معرفی شده‌اند.
در بخشی از بیانیه‌ی حزب دمکرات که در مورخه‌ی هشتم مهر ماه انتشار یافته، آمده است: "آنچه که این قطعنامه را از قطعنامه‌های اخیر متمایز می‌کند و قابل تقدیر و استقبال است این است که دلیل صدور این قطعنامه نه مسئله اتمی ایران، بلکه نقض حقوق بشر و سرکوب مردم ایران است که برای نخستین بار است که کشوری غربی در این رابطه تنها به محکومیت‌های لفظی و انتقاد قناعت نموده و تنبیهات عملی را تعیین کرده است."

تحریم این هشت نفر در راستای اجرای قانون تحریم‌های وسیع علیه جمهوری اسلامی اعمال می‌گردد که کنگره آمریکا در ماه ژوئن آن را به تصویب رسانید. شایان ذکر است که این برای نخستین بار است که آمریکا به اتهام نقض حقوق بشر، تحریم‌های ویژه‌ای را در موارد افرادی خارج از این کشور اعمال می‌کند. متن کامل بیانیه‌ی مورد اشاره حزب دمکرات کردستان ایران در صفحه‌ی دوم این شماره روزنامه‌ی "کوردستان" آمده است.



سنگین
زلفیهار

۵ اکتبر، روز جهانی معلم

روز ۵ اکتبر، از سال ۱۹۹۴ میلادی رسماً به عنوان روز جهانی معلم تعیین شده است. این مناسبت خجسته را به تمامی معلمان جهان و ایران، به ویژه معلمان دلسوز کردستان تبریک گفته و موفقیت روزافزون‌شان را در امر تعلیم و تربیت و تلاش‌های آنان در جهت نیل به حقوق و آزادی‌های برحقشان آرزومندیم.

علیرغم اینکه ۵ اکتبر از زمان ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی رسماً به عنوان روز جهانی معلم شناخته شده و اهداف آن مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این روز همچنان مهجور مانده و نه تنها گامی جهت اجرای مفاد مترقیانه‌ی این تصمیم جهانی برداشته نشده، بلکه حتی نام‌بردن از آن و ذکر آن در تقویم نیز ممنوع می‌باشد، همان‌گونه که خود تعلیم و تربیت و تأمین معیشتی درخور شأن معلم نیز در جمهوری اسلامی ایران جدی گرفته‌نشده و مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به همین دلیل است که در فرایند تعلیم و تربیت، روزبه‌روز در ایران تلاش‌ها بیشتر حول محور بازگشت به عقب می‌گردد. محتوای دروس، مطابق با ایدئولوژی رژیم تدوین شده، آشفتگی و بی‌برنامگی بر عرصه‌ی مهم و انسان‌ساز آموزش و پرورش سایه‌افکنده و معلمان تحت فشارهای زندگی و نظارت شدید نهادهای پلیسی و امنیتی مجالی برای رهایی از وضعیت نابسامان موجود نمی‌یابند. سردادن فریاد اعتراض علیه وضعیتی که گریبانگیر کل نظام آموزش و پرورش به ویژه زندگی فلاکت‌بار معلمان شده، عواقبی چون پیگرد، حبس، تبعید، اخراج و ... را در پی داشته و و هم‌اکنون ده‌ها تن از معلمان در رابطه با همین مسئله در زندانهای رژیم محبوس می‌باشند. از همین رو در چنین روزی ضمن تبریک به معلمان، مراتب همدردی خود را با آنان به دلیل وضعیت ناگواری که در آن قرار دارند، ابراز نموده و آرزو می‌کنیم که با نایب‌داری جمهوری اسلامی ایران، این اوضاع و شرایط ناگوار و ناخوشایند نیز دگرگون شود. در عین حال مراتب قدرشناسی خود را نسبت به زحمات و تلاش‌های آنان ابراز می‌داریم.

رعب و وحشت مسئولان نظامی رژیم و تهدیدات آنها



فرماندهان سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی، طی اظهارنظرهای جداگانه‌ای به گسترش اعتصابات اصناف گوناگون و ناراضیاتی اقتصادی در ایران اعتراف نمودند. حسین همدانی، فرمانده سپاه پاسداران در تهران روز دهم مهرماه طی گفتگویی با روزنامه‌ی "خبر" اظهار داشته است: "فتنه جدیدی در دستور کار قرار دارد ... ممکن است عده‌ای به دنبال ایجاد ناراضیاتی اقتصادی در مردم باشند و مردم را علیه نظام بشورانند." اسماعیل احمدی‌مقدم، فرمانده کل نیروی انتظامی نیز در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران اعلام داشت "با فشارهای اقتصادی قصد دارند، شرایط کشور را به نقطه‌ای بکشانند که آشوب، اغتشاش، ناآرامی و نافرمانی مدنی را به دنبال داشته باشد."

داخلی مواجه است. گسترش ناراضیاتی‌های اقتصادی که در کنار ناراضیاتی‌های سیاسی در ایران جاری است، توسط اکثر ناآگاهان و صاحب‌نظران سیاسی قابل پیش‌بینی بود. آگاهان سیاسی این اظهارنظرهای مسئولان نظامی رژیم را تهدید و ارعاب مردم در ارتباط با اعتراضات قبل از سقوط رژیم برمی‌شمارند

طبرزدی به ۹ سال حبس محکوم شد



حشمت‌الله طبرزدی، دبیرکل "جبهه دمکراتیک ایران" به حکم دادگاه انقلاب اسلامی در تهران، به ۹ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم گردید. طبرزدی که سخنگوی شورای همبستگی برای دمکراسی و حقوق بشر در ایران است، قریب به ۹ ماه است که بازداشت و به زندان رجایی شهر کرج تبعید شده و تحت فشار نیروهای امنیتی اطلاعاتی رژیم قرار گرفته است. دادگاه، موارد اتهام حشمت‌الله طبرزدی را اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم بر ضد امنیت داخلی کشور و اهانت به مقام رهبری اعلام نموده است.

فعالان و نهادهای

مدافع حقوق بشر

خواستار آزادی

نسرین ستوده شدند

خانواده نسرین ستوده، وکیل فعال که در روز سیزدهم شهریور بازداشت گردید، اعلام نموده‌اند که از وضعیت نامبرده اطلاعی ندارند. همسر نسرین ستوده روز دوازدهم مهرماه به رادیو آلمان (دویچه‌وله) گفت: "همسر من از ۲۷ شهریورماه هیچ‌گونه تماسی با خانواده نداشته، این در حالیست که قبلاً تاکید کرده بود، اگر فاصله تماس‌های تلفنی‌اش بیشتر از چهار روز شود، دست به اعتصاب غذا خواهد زد". روز یازدهم مهرماه، هشت سازمان مدافع حقوق بشر به همراه شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم نمودن بازداشت خانم ستوده، خواستار آزادی سریع و بدون قید و شرط این وکیل دادگستری شدند. این نهادها شامل سازمان عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، اتحادیه بین‌المللی وکلا و سازمان جهانی علیه شکنجه می‌باشند.

بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان

هیئتی از صلیب سرخ در دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران حضور به

عمل آوردند



ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه سیزدهم مهرماه ۱۳۸۹، هیئتی از صلیب سرخ متشکل از عبدالرحمن جلال و عمر عزیز از بخش پژوهش و تحقیق در دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران حضور به عمل آورده و از سوی هیئتی از حزب به سرپرستی محمد نظیف قادری عضو دفتر سیاسی مورد استقبال قرار گرفتند. در این دیدار هیئت صلیب سرخ موضوعاتی درباره‌ی وظایف و امورکاری خود در اقلیم کردستان را مورد بحث قرار دادند، سپس محمد نظیف قادری درباره‌ی وضعیت کمپ‌های حزب و هم‌چنین دیگر آوارگان ایرانی در اقلیم کردستان مباحثی را عنوان کردند. در پایان هیئت هر دو طرف بر تحکیم روابط موجود تاکید نمودند.

پیام تبریک دبیر کل حدکا به مناسبت راهیابی چند نماینده کرد به پارلمان سوئد

دوستان: شادی حیدری، آمنه کاکاباوه، روز هیدین، جبار امین، اسماعیل کامیلی، اعضای منتخب جدید پارلمان سوئد

برای ما جای بسی سرور و شادکامی است که جمعی از خواهران و برادران کرد در کشور سوئد مضاف بر مشکلات پناهندگی، توانستند با تلاش و پشتکار به پایگاه اعتمادی برای مردم اکثر مناطق این کشور اعم از کرد و سونندی مبدل شده و در نتیجه رقابت‌های انتخاباتی، موفقیت چشمگیری را بدست بیاورند. ما پیام تبریک خود را به این مناسبت تقدیم شما و تمامی کردهای ساکن سوئد می‌کنیم.

عزیزان! ضمن اینکه هر کدام از شما نماینده‌ی یکی از احزاب سوئدی بوده و طبعاً تفاوت‌هایی با هم دارید، اما انتظار می‌رود تا با اتحاد و همبستگی بتوانید مسئله‌ی کرد را هر چه بیشتر و تأثیرگذار تر در پارلمان مطرح کنید. با آرزوی موفقیت برای شما در این امر خطیر.

حزب دمکرات کردستان ایران

دبیر کل
مصطفی هجری

۲۰۱۰/۹/۱۷



در چهارچوب اجرای تحریمهایی که چند ماه پیش کنگره‌ی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی تصویب کرد، روز چهارشنبه، مورخه ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰ میلادی برابر با ۷ مهر ماه سال ۱۳۸۹ خورشیدی، باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا اقدام به صدور فرمانی مبنی بر اضافه نمودن اسامی هشت مسئول نظامی، انتظامی و دولتی ایران به لیست تحریمهای ایالات متحده آمریکا نمود.

آنچه که این دستور را از مصوبات قبلی جدا می‌سازد و مورد استقبال قرار می‌دهد، این است که صدور چنین دستوری نه در رابطه با مسأله هسته‌ای ایران، بلکه در مورد نقض فاحش حقوق بشر و سرکوب مردم ایران می‌باشد که برای نخستین بار یک کشور غربی در این رابطه تنها به محکوم کردن و انتقاد نمودن قناعت نکرده و مجازات عملی را اعمال می‌دارد.

این مجازات اگر تاثیر چندانی هم بر جمهوری اسلامی در دست کشیدن از نقض حقوق بشر و سرکوب مردم ایران نداشته باشد، در نفس خود اقدامی است که نشان می‌دهد این مسأله دیگر تحت الشعاع مسأله‌ی هسته‌ای ایران قرار نمی‌گیرد و از انظار مخفی نمی‌ماند. امید است که دیگر کشورهای دمکرات و مجامع و محافل بین المللی مدافع حقوق بشر نیز اقداماتی در این راستا بعمل آورند و اهمیت بیشتری به مسأله حقوق بشر در ایران بدهند.

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی

۱۳۸۹/۷/۸

دیدار هیئت انجمن سیاسی کرد در سوریه از

دفتر سیاسی حدکا



هیئتی از انجمن سیاسی کرد در سوریه - کمیته اقلیم کردستان به نمایندگی از ۹ حزب کرد در سوریه، روز سه‌شنبه، ۶ مهرماه از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار نمود.

به گزارش خبرگزاری کردستان، این هیئت از طرف مصطفی هجری، دبیر کل حدکا مورد استقبال قرار گرفت. در این دیدار هیئت انجمن سیاسی کرد در سوریه توضیحاتی را در مورد این انجمن که مدت ۹ ماه است از سوی کردهای سوریه تأسیس گردیده است، ارائه داد. همچنین هر یک از اعضای این انجمن دیدگاه‌ها و نظرات خود را در این رابطه اعلام کردند.

دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران نیز ضمن ابراز خرسندی از این دیدار، همصدایی نیروهای سیاسی کرد در هر بخش کردستان را مایه خرسندی بخشهای دیگر کردستان قلمداد نمود. هیئت انجمن سیاسی کرد در سوریه در این دیدار عبارت بود از: نوری بریمو، به نمایندگی از حزب دمکرات کرد در سوریه

(الپارتی) - دکتر محمود عبو، نماینده حزب آزادی کرد در سوریه - هه وال بندوار، نماینده حزب میهنی دمکراتیک کرد - شلال گدو، نماینده حزب چپ کرد در سوریه - عبدالباقی یوسف، نماینده حزب اتحادیه کرد در سوریه - بهجت رسول، نماینده حزب دمکرات کرد در سوریه (الپارتی) - دبیر کل

نصرالدین ابراهیم - محمد حمو، نماینده حزب آینده کرد در سوریه

شرکت هیئتی از حدکا در کنگره حزب کارگر

بریتانیا

شرکت نمایندگان کنگره ملیت‌های ایران

فدرال در گردهمایی "وضعیت ملیت‌های تحت

ستم و اقلیت‌های دینی ایران" در ژنو

روز پنج‌شنبه، اول مهرماه در حاشیه‌ی اجلاس انجمن عالی حقوق بشر در مقر سازمان ملل متحد در ژنو، اجلاسی با موضوعیت "ایران: ملیت‌های تحت ستم و اقلیت‌های دینی" از سوی سازمان "سودویند" برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری کردستان، در این اجلاس چندین طیف ملی و دینی شرکت به عمل آورده و به قرائت مقالاتی پرداختند.

دیانا علایی به نمایندگی از بهایی‌ها، دکتر خسرو عبدالهی به عنوان نماینده‌ی کنگره‌ی ملیت‌های فدرال ایران، دکتر گلرمد مرادی به عنوان نماینده‌ی یارسان‌ها و چندین نفر دیگر درباره‌ی پایمال شدن حقوق بشر در ایران و کردستان و ظلم و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی علیه ادیان و مذاهب گوناگون در ایران به بحث و رایزنی پرداختند.

دکتر خسرو عبدالهی در سخنان خود به تنوع ملیتها، ادیان و مذاهب در ایران اشاره کرده و همچنین تلاش حکومت برای تحمل یک ملیت و یک زبان در ایران را مورد بحث قرار داد که در این راه دیگر ملیتها و اقلیت‌های دینی را مورد اجحاف قرار داده‌اند. نماینده‌ی کنگره‌ی ملیت‌های ایران، در بخش دیگری از بحث خود، سرکوب و به خاک و خون کشیدن ترکمنستان و خوزستان، فتوای جهاد خمینی علیه کردستان، محروم کردن فرزندان دیگر ملیت‌های غیر فارس از تحصیل به زبان مادری، افزایش و بالا بودن آمار بی‌کاری در کردستان و بلوچستان، افزایش فشار و سرکوب از زمان روی کار آمدن احمدی‌نژاد را مطرح نمود. وی در پایان اعلام نمود که ملیت‌های ایرانی خواستار حکومت فدرال دمکرات در ایران هستند. هم‌چنین دکتر گلرمد مرادی درباره‌ی آیین یارسان گفت: دو میلیون و نیم از پیروان این دین در ایران زندگی می‌کنند که ۹۵٪ در کردستان و ۵٪ در آذربایجان هستند و تاکنون از سوی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته نشده‌اند و همواره از سوی حکومت تهران مورد فشار واقع می‌شوند. به نحوی که یا باید از دین خود دست برداشته و یا کشور ایران را ترک نمایند.

در ادامه‌ی بحث، جامعه‌ی حقوق بشر کردستان - ژنو، مقاله‌ای را درباره‌ی سیاست‌های رژیم در کردستان با عنوان تبعیض اقتصادی و هم‌چنین ترویج مواد مخدر توسط رژیم را ارائه نمودند.

در این اجلاس، خالد حسینی نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران درباره‌ی سیاست‌های جمهوری اسلامی و انفجار شهر مهاباد و بهانه رژیم برای هر چه بیشتر میلیتاریزه کردن کردستان به ایراد سخنانی پرداخت

هیئتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی لقمان احمدی، مشاور کمیته‌ی مرکزی و نماینده‌ی حزب در بریتانیا، در کنگره‌ی حزب کارگر این کشور حضور یافت.

به گزارش خبرگزاری کردستان، این کنگره روز ۲۵ سپتامبر آغاز و تا ۳۰ همین ماه ادامه یافت.

در اولین روز کنگره، انتخابات برای تعیین رهبری حزب کارگر بریتانیا برگزار شد که "اد میلیبند" به عنوان رهبر این حزب انتخاب گردید.

هیئت حزب دمکرات به عنوان سازمان دوست حزب کارگر، به این کنگره دعوت شده بود که با رهبر جدید این حزب دیداری را به عمل آوردند،

همچنین هیئت حزب دیداری را با یکی دیگر از مسئولان حزب کارگر به عمل

شرکت هیئتی از کمیته حدکا در آمریکا در مراسم

گرامیداشت قربانیان انفجار مین در حکاری

دفتر نمایندگی حزب آشتی و دمکراسی (B D P) در آمریکا روز یکشنبه، ۴ مهرماه جهت گرامیداشت قربانیان انفجار مین در شهر حکاری کردستان ترکیه مراسمی را در شهر فایرفاکس برگزار نمود.

هیئتی از کمیته حزب دمکرات کردستان ایران در آمریکا به ریاست جمال عبدالله‌زاده، مسئول این کمیته ضمن حضور در این مراسم، پیام همدردی خود را در این رابطه به نمایندگی حزب آشتی و دمکراسی در آمریکا تقدیم کرد.

شایان ذکر است چند شهروند کرد اهل حکاری مدتی پیش بر اثر انفجار مین کشته شدند. این مین در جریان درگیری ارتش ترکیه با نیروهای مسلح کرد در منطقه مذکور کاشته شده بود

پایان دوره ۱۹۵ آموزش مقدماتی پیشمرگ



روز شنبه، مورخه سوم مهرماه، مراسم پایان دوره ۱۹۵ آموزش مقدماتی پیشمرگ در آموزشگاه سیاسی - نظامی حزب دمکرات کردستان ایران برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری کردستان: این مراسم ساعت ۹:۳۰ صبح با شرکت شماری از اعضای رهبری، کادرها، پیشمرگان و خانواده‌هایشان آغاز شد. در آغاز، ناهید حسینی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، به مناسبت پیوستن شرکت‌کنندگان دوره به صفوف حزب، سخنانی ایراد نمود. ناهید حسینی در بخشی از سخنرانی خود به تروریسم بین‌المللی و تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و در این رابطه ترور رهبران و ده‌ها کادر و پیشمرگ حزب را به عنوان نمونه مطرح نمود. سپس گزارش آموزشی دوره توسط مدرس آموزشی "بهمن کریمی" قرائت گردید.

در بخش پایانی مراسم به نقرات برتر که رتبه‌های اول تا سوم را در مراحل سیاسی - نظامی و حفظ دیسیپلین به دست آورده بودند، جوایزی اهدا گردید و چندین قطعه شعر و آواز و سرود از سوی شرکت‌کنندگان دوره به اجرا درآمد.

حکم اعدام حبیب‌الله گلپری پور تایید شد

به گزارش خبرگزاری هرا، حکم اعدام حبیب‌الله گلپری پور، جوان بیست و هفت ساله‌ی سنندجی از سوی دیوان عالی کشور تایید شد. گلپری پور در تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ به اتهام محاربه از طریق فعالیت تبلیغی و عضویت در یک حزب مخالف نظام به استناد ماده‌ی ۱۸۶ و ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی از سوی دادگاه انقلاب مه‌آباد به اعدام محکوم و در شهریورماه این حکم توسط دیوان عالی کشور تایید شد و از یک سال قبل در بازداشت است و هم‌اکنون در زندان مه‌آباد به سر می‌برد. خانواده‌ی او به نجات فرزندشان امیدوار هستند و از انتشار اخبار نادرست درباره‌ی او گلایه می‌کنند. به گزارش رادیو زمانه، بهرامیان ضمن تأیید حکم قطعی اعدام برای مولکش گفت: «اتهام حبیب‌الله گلپری پور عضویت در یکی از احزاب کرد بوده و دادگاه براین اساس وی را محکوم به اعدام کرده است». این وکیل هم‌چنین اضافه کرد که صدور چنین حکمی در حالی است که به گفته وی هیچ‌گونه سلاخی از مولکش کشف نشده است. ظاهراً حبیب‌الله گلپری پور در زمان دستگیری تنها چند کتاب در دست داشته است.

صدور حکم زندان برای دو شهروند کرد

دادگاه انقلاب اسلامی شهر سقز، دو شهروند اهل این شهر را به نام‌های جمال امینی و محمد منیری به حبس محکوم کرد.

سید وفا حسینی وکیل این دو شهروند در گفتگو با آژانس خبری موکریان ضمن تأیید این خبر اظهار داشت: براساس حکم صادره از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب سقز، جمال امینی به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و همکاری با احزاب اپوزیسیون به تحمل ۳ سال حبس محکوم گردیده که این حکم در دادگاه تجدید نظر استان کردستان عیناً تایید شده است.

به گزارش آژانس خبری موکریان وی همچنین در رابطه با آخرین وضعیت پرونده دیگر موکل خود، محمد منیری گفت: شعبه اول دادگاه انقلاب سقز محمد منیری را به اتهام همکاری با احزاب مخالف و فعالیت تبلیغی علیه نظام به ۵ سال زندان محکوم نمود که این حکم در شعبه ۴ دادگاه تجدید نظر استان کردستان به یک سال کاهش یافت.

این دو شهروند سال گذشته توسط نیروهای امنیتی بازداشت و پس از مدتی با

قرار وثیقه از زندان آزاد شدند

بهزاد کردستانی، شاعر بازداشت شده کرد به

بیمارستان منتقل شد

بهزاد کردستانی، شاعر و نویسنده کرد که بیش از یک ماه پیش از سوی نیروهای اطلاعات شهر میروان دستگیر شده بود، به بیمارستان منتقل شد.

به گزارش روانیوز، چند روز پیش بهزاد کردستانی، شاعر و فعال فرهنگی کرد بر اثر یک اعتصاب غذای چند روزه دچار ضعف شده و به بیمارستان منتقل شده است. تا انتشار این خبر از وضعیت جسمانی و محل نگهداری وی پس از انتقال به بیمارستان اطلاعی در دست نیست.

بهزاد کردستانی ۲۳ روز پیش به دلایلی نامعلوم از سوی نیروهای اطلاعات شهرستان میروان دستگیر و قرار بازداشتی به مدت یک ماه برای وی صادر شد که مدت آن از ۲۵ شهریور ماه جاری تمام شده و از آن تاریخ به بعد در بلاتکلیفی به سر می‌برد.

نزدیکان بهزاد کردستانی در مصاحبه با روانیوز می‌گویند که تا این لحظه آقای کردستانی وکیل ندارد، اما رایزنی‌ها برای اخذ وکیل طی روزهای گذشته آغاز شده و به زودی یکی از وکلای ایرانی مسئولیت دفاع از پرونده وی را به عهده می‌گیرد.

گفته می‌شود این شاعر کرد که از زمان بازداشت تاکنون در سلول انفرادی اداره اطلاعات شهرستان سنندج در بازداشت به سر می‌برد، از بیماری‌های گوارشی و کمردرد مزمن رنج می‌برد.

سرپرست هفته‌نامه‌ی "آوای کرمانشاه" بازداشت شد

علیرضا اسکندری، سرپرست هفته‌نامه‌ی "آوای کرمانشاه"، روز شنبه، توسط نیروهای انتظامی رژیم بازداشت شد.

خبرگزاری کردستان با اعلام این خبر افزود: اتهام این فعال کرد "توهین به مسئولان قضایی رژیم" عنوان گردیده است.

لازم به ذکر است، نامبرده در اردیبهشت ماه سال جاری نیز بر اساس دستور فرماندار سرپل ذهاب بازداشت و پس از مدتی با تودیع وثیقه آزاد شده بود.

گفتنی است علیرضا اسکندری تا کنون چندین بار به علت نوشته‌هایش در هفته‌نامه‌ی "آوای کرمانشاه" مورد تهدید نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم در کرمانشاه و سرپل ذهاب قرار گرفته است.

هنوز از زمین‌های کرمانشاه مین درو می‌شود

بسیاری از بهترین زمین‌های کشاورزی استان کرمانشاه که درگیر جنگ بوده‌اند به دلیل آلودگی به مین بدون استفاده مانده‌اند.

به گزارش آژانس خبری موکریان، نماینده کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی با اعلام این خبر اظهار داشت: در جنگ هشت ساله عراق و ایران پنج استان کشور به صورت مستقیم درگیر این فاجعه شدند، هنگامی که بسیاری از بخش‌های دیگر در آرامش نسبی بودند مردم استان‌های کرمانشاه، کردستان، ایلام، خوزستان و بخش‌های کردنشین آذربایجان غربی در آوارگی ناشی از جنگ و مهاجرت به سر می‌پرندند.

وی تصریح کرد: استانهای درگیر در جنگ مانند کرمانشاه، ایلام، کردستان، خوزستان، آذربایجان غربی هم‌اکنون با مشکلات عدیده‌ای ناشی از جنگ مواجهند.

بازداشت شش شهروند دهگلانی

در ادامه بازداشت فعالان مدنی و سیاسی در کردستان، شش شهروند دهگلانی از سوی نیروهای امنیتی دستگیر و به اداره اطلاعات شهر قروه انتقال داده شدند.

به گزارش کردپیش پرسپکتیو، صالح محمدی و سامان کریمی اسامی دو تن از این بازداشت شدگان است و از هویت دیگر دستگیر شدگان تاکنون اطلاعی در دست نیست.

گفتنی است تا لحظه‌ی دریافت این خبر از دلیل یا دلایل بازداشت و سرنوشت این شهروندان اخباری حاصل نشده است.

خودکشی یک زندانی محکوم به اعدام در زندان

ارومیه

یک زندانی محکوم به اعدام به نام بهرام، ک بر اثر خودکشی در زندان ارومیه جان خود را از دست داد.

به گزارش آژانس خبری موکریان در ارومیه این زندانی که برای اجرای حکم به قرنطینه منتقل شده بود، اقدام به خودکشی نمود و جان باخت.

شایان ذکر است، این زندانی که بیش از ۵ سال است در زندان به سر می‌برد به اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر از طرف دادگاه به اعدام محکوم شده بود.

احضار و بازجویی حیدر زمان، معلم سنندجی

روز پنجشنبه، ۸ مهرماه، حیدر زمان، معلم سنندجی و عضو کانون صنفی معلمان ایران به ستاد خبری اداره اطلاعات این شهر احضار و مورد بازجویی قرار گرفت.

به گزارش آژانس خبری موکریان در سنندج، طی این بازجویی که ۴ ساعت به طول انجامید برخورد مأموران امنیتی با این فعال صنفی نامناسب بوده و وی در رابطه با مصاحبه با سایت ایران خبر نیز مورد بازخواست قرار گرفته است.

شایان ذکر است حیدر زمان پیشتر نیز بارها از طرف ستاد خبری و حراست آموزش و پرورش استان کردستان احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود

انتشار و چاپ نخستین شماره‌ی مجله‌ی دانشجویی

"روانگه"

نخستین شماره‌ی فصلنامه‌ی علمی، فرهنگی، اجتماعی "روانگه" توسط دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سقز چاپ و منتشر گردید. به گزارش مرکز خبرسانی سقز، در نخستین شماره‌ی این مجله، مطالبی با موضوع معرفی دانشگاه، زندگی‌نامه شیخ نافع مظهر، وظایف دانشجویی کرد، قلعه‌ی تاریخی زیویه، بنیادهای روانشناختی دموکراسی و چندین مطلب دیگر به چشم می‌خورد.

فصلنامه‌ی روانگه مشتمل بر ۳۲ صفحه‌ی A4 بوده و توسط دفتر امور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی سقز و با همکاری دانشجویان این دانشگاه چاپ و منتشر می‌گردد.

پنجمین فستیوال تئاتر خیابانی میروان خاتمه یافت

مراسم پایانی پنجمین فستیوال سراسری تئاتر خیابانی میروان، روز شنبه ۳ مهر با شرکت شماری از کارشناسان و پیشروان تئاتر سینمای ایران، در میروان برگزار گردید.

خبرگزاری کردستان در این رابطه اعلام کرد: در مجموع ۲۵۷ گروه که برای شرکت در فستیوال آمادگی خود را اعلام کرده بودند، تنها ۲۴ گروه موفق به رقابت در فستیوال شدند و توانستند کار خود را به اجرا در بیاورند.

هم‌چنین گروهی از کشور آلمان در این فستیوال شرکت کرده بود. مراسم با سخنرانی مسئولان و فستیوال آغاز و با اهداء جوایز به گروه‌های برتر خاتمه یافت.

بیش از ۱۶۰۰ نفر در نیمه اول امسال بازداشت شدند

طی نیمسال اول سال جاری ۱۶۳۰ نفر از فعالین سیاسی و مدنی و شهروندان معترض بازداشت شدند.

به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، طی نیمسال اول سال جاری ۲۵ فعال رسانه‌ای، فرهنگی و مطبوعاتی ۱۴۰ نفر از اقلیت‌های مذهبی که شامل بهائیان، مسیحیان، اهل سنت و دراویش هستند، بازداشت شده‌اند.

همچنین در شش ماه نخست سال جاری ۱۱۹ نفر از فعالین سیاسی و مدنی و ۲۸ تن از فعالان حقوق بشر و حقوق زنان بازداشت شدند.

در ادامه این گزارش آمده است، ۸۶ تن از فعالان دانشجویی و ۴۵ فعال صنفی و کارگری که اکثراً معلمان را شامل می‌شود، بازداشت شده‌اند.

دست کم ۱۱۷۲ تن از شهروندان نیز در تجمعات مختلف اعتراضی توسط ارگان‌های انتظامی و امنیتی بازداشت شدند و ۱۳ نفر نیز تنها به دلیل ارتباط خانوادگی با فعالین بازداشت و یا به گروگان گرفته شده‌اند.

بیکاری، عامل کاهش جمعیت شهرستان بیجار

به گزارش آژانس خبری موکریان، رئیس شورای شهرستان بیجار بیکاری را عامل اصلی کاهش جمعیت و افزایش روند مهاجرت در این شهرستان طی یک دهه اخیر اعلام کرد.

بهمن کاظمی ضمن اعلام این خبر اظهار داشت: نبود اشتغال و نرخ بالای بیکاری باعث افزایش مهاجرت و در نتیجه کاهش جمعیت شهرستان بیجار در طول یک دهه اخیر شده است.

وی عنوان کرد: در حالی که جمعیت شهرستان بیجار در ابتدای سال ۸۰ رقمی بالغ بر ۱۲۰ هزار نفر بود، براساس آمارهای اعلام شده این میزان در حال حاضر به کمتر از ۱۰۰ هزار نفر کاهش پیدا کرده و در صورت عدم برنامه‌ریزی مناسب این روند همچنان ادامه خواهد داشت.

وی در خاتمه ایجاد صنایع مادر و سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی در کنار توسعه امکانات رفاهی را برای مقابله با روند مهاجرت مردم شهرستان بیجار خواستار شد.

این اقدام زشت در نهایت سبب رسوایی عاملانش می‌گردد



حسن شرفی، معاون دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران



به سوی احزاب کردی نشانه گرفتن می‌تواند این سیمای درخشان مدنی را خدشه‌دار نماید؟ به ویژه که این واقعه در مهاباد اتفاق افتاد.

حسن شرفی: مبارزه مدنی و هر نوع مبارزه مشروع دیگر هر کدام به نوبه خود در جنبش کرد در کردستان ایران تأثیرات ویژه خود را داشته‌اند. همگانی‌تر نمودن مبارزه همیشه مدنظر و در دستور کار حزب دمکرات کردستان ایران قرار داشته است، ولی از کنگره ۱۴ به بعد مورد تأکید و اهمیت بیشتری قرار گرفته و تأثیرات عملی آن بیشتر نمایان شده است، رژیم هم همیشه کوشیده است که سیمای حزب دمکرات کردستان ایران را با هر شیوه‌ای از مبارزه خدشه‌دار نموده و تصویر وارونه‌ای از آن نشان دهد، ولی ۶۵ سال مبارزه بی‌وقفه این حزب، با سیمای دمکراتیک و درخشان هرگز این اجازه را نداده است که این تلاش‌های رژیم به ثمر بنشیند. علاوه بر این حزب دمکرات کردستان ایران با تمام ویژگی‌هایش برای مردم کردستان و حتی احزاب و سازمان‌های سیاسی ایرانی و خارجی شناخته شده‌تر از آن است که جمهوری اسلامی قادر باشد چهره‌ای وارونه از آن نشان دهد. روشن است که در آن عرصه‌ای که اشاره گردید، رژیم دوباره تلاش خود را خواهد نمود ولی مطمئنم که این بار نیز تلاشش بی‌نتیجه خواهد ماند.

حسن شرفی: ریزش در میان نیروهای مسلح رژیم طی یکی دو سال اخیر امری قابل پیش‌بینی بود. زیرا این افراد مسلح بیشتر با رژیم و نیروهای سرکوبگر آن در ارتباط بوده و از نزدیک مشاهده نموده‌اند که چگونه برای مردم توطئه‌چینی می‌کنند و چگونه آن را اجرا نموده و بعضاً نیز پای آنان را به چنین مسائلی می‌کشاند.

به همین دلیل رژیم را بهتر شناخته و نمی‌خواهند بیشتر از این در جنایاتی که رژیم و نیروهایش نسبت به مردم انجام می‌دهند سهیم باشند. از طرف دیگر دورنمای عمر و ماندگاری رژیم را با توجه به آن همه نارضایتی که مردم از رژیم دارند و وضعیت وخیمی که رژیم برای مردم ایجاد کرده است، تاریک می‌بینند و نمی‌خواهند سرنوشت خویش را تا پایان با سرنوشت رژیم گره بزنند. این نکته را نیز بیافزایم که ریزش تنها مختص به نیروهای مسلح نیست بلکه گروه‌های دیگری را در میان نهادهای جمهوری اسلامی در بر گرفته است. طی یکی، دو ماه اخیر شاهد بودیم که چند نفر از مسؤلان رژیم در سفارتخانه‌های آن رژیم در فنلاند، نروژ و بلژیک، استعفای خود را اعلام و اعتراضات خود را نسبت به سیاستها و اعمال رژیم ابراز داشتند. در همین رابطه هم می‌رهن است که حزب دمکرات کردستان ایران هم به سهم خود تأثیرگذار بوده است. تردیدی نیست که رژیم در چارچوب استفاده ابزاری از واقعه مهاباد و توطئه‌چینی برای اهدافی که اشاره نمودم، در همین راستا عمل خواهد کرد.

حسن شرفی: از آغاز روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی تاکنون مبارزه مدنی، یکی از جنبه‌های عینی مبارزات مردم کردستان بوده و بخش بزرگی از توانایی‌های ذهنی و عینی این ملت را به خود اختصاص داده و این ملت در این راه قربانی‌های زیادی داده است، بعد از کنگره‌ی ۱۴ حزب دمکرات کردستان ایران و با تصویب شعار "همگانی‌تر نمودن مبارزه" در این کنگره شاهد بودیم که تأثیرگذاری این نوع مبارزه در کردستان برجسته‌تر شده و تأثیر بسزایی بر دیگر مناطق ایران نیز داشته، تا جایی که حتی توانسته است توجه و نظر بسیاری از کارشناسان خارج از کشور را به سوی خود جلب کند، سؤال این است که آیا مورد اتهام قرار دادن اپوزیسیون کردی و انگشت اتهام را

باز می‌گردد به برنامه‌ی رژیم برای استفاده از این حادثه به منظور میلیتاریزه نمودن هر چه بیشتر منطقه و امنیت کردن مناطق کردنشین و در کنار آن ایجاد آشفتگی در میان مردم و ایجاد فضای بی‌اعتمادی و پیشگیری از اتحاد مردم.

"کردستان": در چند سال گذشته نوعی ریزش در میان نیروهای مسلح رژیم (بومی) آغاز گشته است بی‌گمان بیانی‌های قبلی حزب دمکرات کردستان ایران که از عفو و بخشش این افراد سخن می‌گوید، تأثیر بسزایی در تسریع روند این ریزش داشته است. آیا این انفجار می‌تواند چنین هدفی را دنبال کند که بخواهد مانع از این ریزش گردد، یعنی افراد مسلح محلی را به این نتیجه برساند که به آغوش ملت بازگردند و افراد مسلح رژیم باقی بمانند؟

حسن شرفی: وقوع این انفجار و موضع رژیم در قبال آن، سئوالات بسیاری را در ذهن مردم کردستان، احزاب کردستانی و به‌ویژه مردم مهاباد برانگیخته است. برای پاسخگویی به این سئوالات و شفاف‌تر شدن ابعاد این موضوع، روزنامه کردستان گفتگویی را با آقای حسن شرفی، معاون دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران ترتیب داده است که نظر خوانندگان را به جزئیات این گفتگو جلب می‌نمایم.

"کردستان": بعد از انفجار در مهاباد، بلافاصله اپوزیسیون کردستانی جمهوری اسلامی توسط مقامات این رژیم مورد اتهام قرار گرفتند، این در حالی است که در تاریخ مبارزاتی این احزاب هیچ‌گاه مشاهده نشده که این احزاب برای دستیابی به اهدافشان به انفجار و بمب‌گذاری متوسل گردند، از نظر شما دلیل این شتابزدگی و مورد اتهام قرار دادن احزاب کردستانی چیست؟

حسن شرفی: انفجار مهاباد واقعه‌ای تلخ و وحشت‌آور بود و متأسفانه در این رویداد دهها تن کشته و زخمی گشتند، این اقدام به همان اندازه که برای همه ناخوشایند و تأثیربرانگیز بود بهمان اندازه هم از رفتار، کردار و پرنسیب فرزندان ملت کرد بدور است.

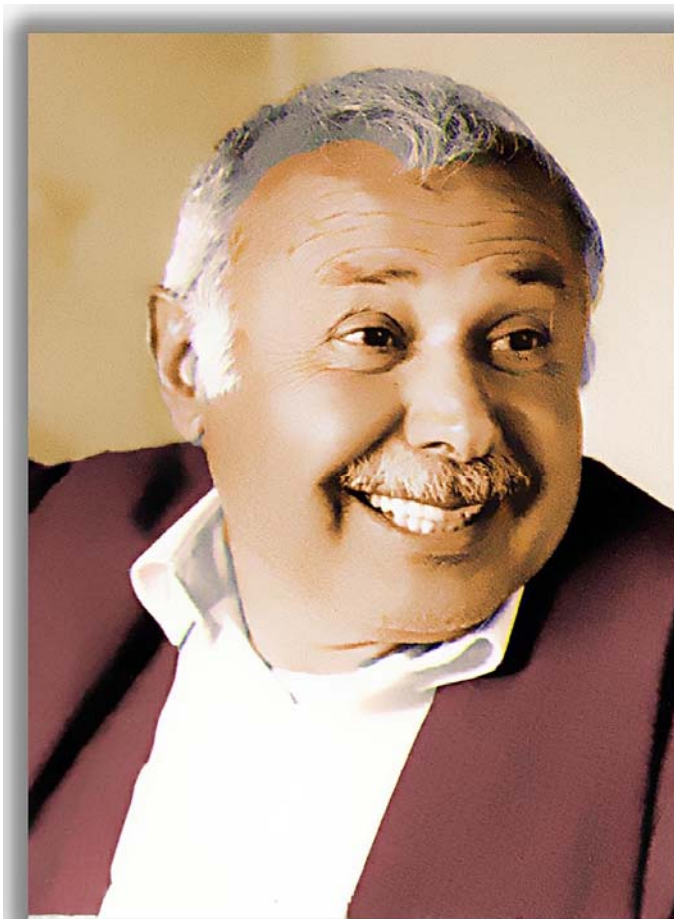
همان گونه که شما نیز اشاره فرمودید، کردها حتی در سخت‌ترین شرایط مبارزه هم به این اقدامات زشت متوسل نشده‌اند اگر چه خود آنها بارها قربانی این عمل ناشایست و ضدانسانی گردیده‌اند.

اینکه رژیم انگشت اتهام را به سوی این و آن دراز می‌کند، امر تازه و عجیبی نیست، این از ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران است که در چنین مواردی بدون هیچ تحقیق و سندی، بلافاصله دشمنان خارجی یا اپوزیسیون کرد و ایرانی را متهم می‌کند و نکته تعجب برانگیز این است که هر بار هم اگر تا حدی و در شرایط بخصوص در چنین مواردی تحقیق نموده، نادرست بودن اتهامش آشکار گشته است.

محکوم نمودن این جنایت (که نسبت به زنان و کودکان اعمال شد) توسط حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر احزاب کردستانی اقدامی درخور و صحیح بود که با پرنسیبها و اعتقادات آنان همسویی و همخوانی داشته و امری طبیعی و منطبق بر رسالت آنها نیز بود. مایلم این نکته را نیز به پاسخ سئوالتان بیافزایم که تعجیل رژیم در متهم کردن این و آن

در سایه سرای درختان باغ وزارت

م شجاعی:



دوستان عزیز
دیر گاهی است که از نبود دوستانی عزیز چون د. قاسملو، دکتر شرفکندی، کاک اردلان و کاک فتاح و ... سخت دلتنگیم. تداوم روزها و سالها با این مصیبتها همچنان سخت آزار دهنده است، اما چه می شود کرد جز ادامه مبارزه. اگر چه پرکردن جای خالی این دوستان بسیار سخت بوده و هست، اما خوشحالم که دوستان حزب دمکرات کردستان ایران موفق شده اند که همچنان پایدار مبارزه را ادامه دهند.

من در پاییز ۱۳۴۵ خورشیدی، در سایه سرای درختان باغ وزارت آموزش و پرورش با صادق آشنا شدم. در این دوران ما (من و یکی از دوستان) از شهری در لرستان به ایرانشهر و خاش منتقل (تبعید) شده بودیم، به دلیل آنکه علیه رئیس آموزش و پرورش شهر اعلام جرم نزد دادستان کرده بودیم. و این به مذاق ساواک خوش نیامد. البته ما به این حکم تن ندادیم و روزها برای اعتراض به این انتقال به وزارتخانه می رفتیم. در همین زمان صادق و چند دوست دیگر از مهاباد به اراک تبعید شده بودند و آنها هم به وزارتخانه می آمدند و مشتری سایه سرای باغ بودند. با دخالت رئیس آموزش و پرورش قبلی شهر ما که از دوستان آقای ربطی کی مسدیرکل کسارگزینی وزارت آموزش و پرورش بود و برادرش که مدیر کل کردستان بود به دفاع از ما پرداختند و به این ترتیب آقای ربطی کی برای ما حکم گرفت که به کردستان برویم و همین باعث شد که صادق سفارش ما را به دوستان در کردستان انجام داد و ما راهی آن منطقه شدیم در سالهای اولیه ما به فکر افتتاح یک کلوب شطرنج در مرکز فرهنگی افتادیم. دانش آموزان خیلی زود علاقمند شدند و روز به روز بر جمع آنها افزوده می شد. این بار هم به دستور ساواک در پایان سال تحصیلی ۴۵-۴۶ ما را به تهران منتقل کردند و در این دوران با دوستانی از اراک مثل جعفر... روابط ما با صادق خیلی زیاد شد و غالباً همدیگر را می دیدیم. سرانجام من و صادق هردو مامور در دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم بعدی) شدیم. در این دوران آشنایی ما به مرور تبدیل به یک دوستی سخت و دلچسب شده بود. در همین دوران بعد از ظهر

چهارشنبه ها با گروهی از دوستان یعنی ۲۰ تا ۳۰ نفر از جمله حمید مصدق و گاه گاهی دکتر ساعدی و ... در کافه ۱۰۱ خیابان پهلوی روبروی سینما آتلانتیک جمع می شدیم و گپ می (با کشمش ملایر) می زدیم. در این گپ زدن ها خواه ناخواه مسائل روز و سیاسی مطرح می شد. من و صادق روابطمان که ابتدا دوستانه بود سمت و سوی سیاسی گرفت و مسائل مورد نظر او که عمدتاً خودمختاری کردستان و آزادی برای ایران و مبارزه در راه حزب دمکرات کردستان ایران بود، برایم روشن شد و پیرامون این مسائل گفتگوی فراوان داشتیم تا جایی که حس می کردم که تفکر سیاسی ما که جهت چپ داشت بسیار هم آهنگ است. در این دوران صادق مرا تشویق کرد که به جای زبان انگلیسی، برای آموزش زبان فرانسه بپذیرم. در سال ۱۹۷۳ صادق عازم فرانسه شد و من نیز سال بعد به همت صادق که برای من پذیرش گرفت راهی همین کشور شدم. صادق مرا در فرودگاه اورلی پذیرا شد، فردای آن روز که یکشنبه بود مرا برای زیارت قبر صادق هدایت به گورستان پرلاشز برد و بر قبر صادق، هدایت مهندس رضوی و ... ادای احترام کردیم.

هیچ نمی دانستم که آن دوستی و دیدار در گورستان پرلاشز محل دیدارهای ابدی در همین گورستان خواهد بود.

دکتر صادق در رفاقت انسانی والا، دوست داشتنی و در سیاست پایدار، متفکر و سخت صمیمی بود. ایشان در سال ۱۹۷۶ و من در سال ۱۹۷۷ پس از اخذ دکتری به ایران بازگشتیم و در دانشگاه تربیت معلم مشغول کار شدیم، در دوران پرشور قبل از انقلاب بسیار روزگاری به بحث مسائل سیاسی می پرداختیم و در تشکیل سازمان ملی دانشگاهیان، شعبه دانشگاه تربیت معلم، تلاش بسیار انجام دادیم، صادق، دکتر قاسملو و من نیز معتقد بودیم که باید به بختیار فرصت داد تا امکان یافتن حکومت مردمی و پخته شدن کادرهای انقلابی فراهم نشود در غیر اینصورت خیلی سریع به سمت حکومت مشروطه می رویم. حالا که از انقلاب و تشکیل سازمان ملی

**فردای آن روز صادق
مرا برای زیارت قبر
صادق هدایت به
گورستان پرلاشز برد ...
هیچ نمی دانستم که
آن دوستی و دیدار در
گورستان پرلاشز محل
دیدارهای ابدی در
همین گورستان خواهد
بود.**

دانشگاهیان که منشاء اعتصابات هفته همبستگی بود سخن گفتیم. ضروری می دانم روایتی را که من و صادق شاهدش بودیم و تا کنون به هیچ وجه منتشر نشده است بیان کنم، به گونه ای که می تواند مورد توجه مورخین و محققین قرار بگیرد.

هفته همبستگی آغاز شده بود و اعتصابات سراسری می رفت که ضربه نهایی را به رژیم بزنند. در این دوران سازمان ملی دانشگاهیان تصمیم گرفت که به بازگشایی دانشگاهها بپردازد و برای بازگشایی دانشگاه تربیت معلم از مردم دعوت شود که به این دانشگاه بیایند و برای این منظور قرار شد که از چندین شخصیت سیاسی و روشنفکری و مذهبی برای ایراد سخنرانی دعوت شود.

حضور آقای آیت الله طالقانی و به آذین (اعتماذزاده) و نیز... در شورای (س.م.د) مورد تصویب اکثریت اعضا قرار گرفت جز چند نفر منجمله د. طه قاسمی و ... که مخالف حضور ایشان با به آذین بودند تا تصمیم پر این شد که برای از دعوت از آقای طالقانی، سه نفر از اعضا به منزل ایشان بروند و ضمناً با ایشان راجع به حضور آقای به آذین نیز مشورت شود.

این پیشنهاد از سوی دکتر قاسمی و چند نفر که سنگ اسلام بر سینه می زدند و نوچهی دکتر بهشتی و

حسن آیت و دیگران بودند مطرح شد.

شب قبل از متینگ سه نفر (دکتر قاسمی، دکتر دادگر و دیگر نماینده) به منزل آقای طالقانی می روند.

با توجه به اینکه وقت قبلی نگرفته بودند تا ساعت ۸ بعد از ظهر در اتاقی منتظر می شوند. سرانجام آقای طالقانی به خاطر احترامی که برای دانشگاهیان داشتند، ایشان را می پذیرند.

قضیه توسط نمایندگان مطرح می شود و آقای قاسمی می گوید آیا شما صلاح می دانید که در این جلسه با حضور آقای به آذین که در جبهه چپ هستند شرکت بفرمایید.

ایشان می گوید که اتفاقاً بسیار خوب است و من هم علاقه مندم که ایشان را ملاقات کنم چرا که در دوران زندان این فرصت حاصل نشد. ایشان می گوید چون من شب در خانه خودم نمی خوابم فردا صبح یکی از آقایان به خیابان تخت جمشید در خانه آقای رضایی بیایند تا مرا به دانشگاه ببرند. به دکتر دادگر پیشنهاد می شود که این کار را انجام دهد و به این ترتیب قرار می شود آقای قاسمی صحنه گردان متینگ باشد و نفر سوم برای آمدن آقای به آذین به منزل ایشان بروند.

وقتی ساعت ۱۰ صبح به دانشگاه آمدم دیدیم که اوضاع آشفته است و به ناچار به دادگر مراجعه می شود که چرا آقای طالقانی را نیاوردید ایشان گفته صبح وقتی در موعد مقرر آنجا رسیدم دیدم دکتر قاسمی نیز آمده است پرسیدم چرا شما آمده اید گفت ضرورت دارد که مسائلی را با ایشان مطرح کنم وقتی آقای طالقانی آمدند گفتند چطور شده است که دو نفری آمده اید که در این موقع دکتر قاسمی به ایشان گفت به نظر می رسد که صلاح نباشد همراه با آقای به آذین در این سخنرانی شرکت کنید زیرا مسلماً دانشجویان مسلمان از این مسئله رنجیده خاطر خواهند شد.

آقای طالقانی می فرمایند که من اصلاً به این دسته بندی اعتقاد ندارم اما باید بگویم که در طول شب چندین نفر از آقایان به من تلفن زدند و حتی در این مورد هم یکی از آقایان از پاریس زنگ زدند ولی من گفتم که می روم. اما حالا شما دو نفر

استاد دانشگاه به گونه ای دعوت را پس می گیرید خواهش می کنم که مطلقاً بحث دسته بندی را مطرح نکنید. زیرا واقعیت ندارد (در واقع ایشان می بیند که دو نفر از سه نفر آمده اند که دعوت را پس بگیرند، خلاصه آنکه دکتر دادگر که آدم خجالتی بوده است اصلاً دخالت نکرده اند و سکوت ایشان به نفع قاسمی تمام می شود) اجازه بدهید برای این گردهمایی پیامی بفرستم. سپس خانم اعظم طالقانی را که حضور داشتند، مورد خطاب قرار می دهند و از ایشان می خواهند که پیام را بنویسند و خود قرائت کند:

بسم الله الرحمن الرحيم
هموطنان! خیلی متأسفم که به دلیل وقت قبلی که به تلویزیون آمریکا داده ام، نتوانستم فرصت حضور در مراسم امروز را داشته باشم خلاصه آنکه نویسنده مبارز آقای به آذین و ... حضور دارند.

امیدوارم که دانشجویان عزیز و مردم مبارز مسلمان همگان کمک کنند که در محیطی آرام بحثی مفید و بدون جنجال انجام بگیرد (ان شاء الله).

دکتر قاسمی از خانم طالقانی درخواست می کند که اگر ممکن است ایشان این پیام را بخوانند که ایشان قبول نمی کنند. به مجرد ورود به دانشگاه دیدم که از قبل صحنه آماده شده و به گروهی از دانشجویان گفته اند که آقای طالقانی به علت حضور به آذین تشریف نیاورده اند در این هنگام آقای دکتر وصلی که مسئول سخنرانی بود اطلاع کلام می دهد و آقای قاسمی حاضر نمی شود که سخنرانی آقای به آذین را اعلام کند.

یکی دیگر از همکاران پشت میکروفون قرار می گیرد و شرح حال آقای به آذین را اعلام می نماید که در همین حین چند نفری فریاد "مرگ بر به آذین" سر می دهند ولی همکار ما با بیان اینکه به آذین آخرین زندانی رژیم شاه هستند فریاد "درد بر به آذین" سر می دهند که مردم جمعیاً با صدای بلند شعار درود بر به آذین را تکرار می کنند.

وقتی آقای به آذین به صحنه می آید و پشت میکروفون قرار می گیرد حدود ۴۰ تا ۵۰ نفر از به اصطلاح دانشجویان (اولین سری لباس شخصی ها) حمله می کنند و ظرف آب را به سوی به آذین پرتاب می کنند و به این ترتیب متینگ را به هم می زنند و اصلاً به خانم طالقانی فرصت صحبت نمی دهند.

در آن روز همگی فهمیدیم که این گروه مرتجع و انحصار طلب نخواهند گذاشت که این انقلاب در مسیر اصولی و سالم پیش برود. بر ما همان رفت که می دانیم و این یکی از اولین حرکاتی بود که سازمان دادند که انقلاب را مصادره کنند و مقدمه ای شد برای آنچه در سالهای بعد شاهد آن بودیم.

با درود فراوان به شهدای راه آزادی بخصوص دوست عزیزم آقای دکتر صادق شرفکنندی، امیدوارم که جنبش مردم ایران بسوئی برود که حکومتی مردمی و فدرال برپا سازد.

موفق باشید
م. شجاعی



ایران بیش از هر زمانی نیازمند آزادی اندیشه است

ترجمه: کریم پرویزی

روز چهارشنبه، ششم اکتبر، مطلبی در روزنامه ی گاردین چاپ و منتشر گردید که به وضعیت اندیشه در ایران پرداخته است.

در ابتدای مقاله آمده است که در ده ی ۱۹۷۰ در کشور چکسلواکی، نامه ای با محتوای خائنه به دانشگاه آکسفورد ارسال شد که در آن نقائص و ضعفهای نظام ایدئولوژیک چکسلواکی مورد بحث قرار گرفته بود. مدت کوتاهی پس از آن، این نامه مجدداً به چکسلواکی بازگردانده شده و توطئه ای ترتیب داده شد تا معلمان و فیلسوفان این کشور از دانشگاه آکسفورد و سایر دانشگاهها محروم شوند و رژیمی که اندیشه و تدریس را امری خطرناک تلقی می نمود، ممنوعیت هایی در این زمینه برقرار نماید.

در آن زمان، این کشور پشت پرده ی آهنین بود و هزاران تن از مردم چکسلواکی به خاطر مطالبه ی آزادی هایشان، تحت آزار و شکنجه قرار داشتند.

یک دهه ی بعد، فیلسوفان مخملی که از دانشگاههای خارجی مانده بودند، در داخل کشور پراکنده شده و مخفیانه به تدریس پرداختند و درباره ی کانت و سایر فلاسفه، سمینارهایی برگزار نمودند. علت زیرزمینی بودن آن نیز در این امر بود که مخملی ساقط شد، در آن زمان اغلب مخالف اندیشیدن و نقد آزادانه بود و چنین می پنداشت که فلسفه و فیلسوفان، تهدیدی برای ایدئولوژی آن بشمار می روند.

چکسلواکی کمونیست تفاوت چندانی با ایران کنونی نداشت و امسال کنفرانس روز جهانی فلسفه در این کشور برگزار می شود. شمار زیادی از فیلسوفان جهان مخالف نوع برخوردی هستند که این رژیم نسبت به اندیشمندان روا می دارد و آنان را تحت فشار قرار داده، به آنان آزار رسانده و آنان را تبعید می نماید.

آری ایران چنین اقداماتی و حتی بیش از اینها را نیز مرتکب شده است. فقط در تابستان سال ۱۹۸۸ بیش از سه هزار زندانی را به صورت جمعی قتل عام نمود و آنان را در دادگاهی ۳ دقیقه ای محاکمه نمود که از آنان ۳ سوال پرسیده می شد. ۲ سوال از این سوالات اینها بودند که "آیا مسلمان هستی؟" و "آیا نماز می خوانی؟" و هر ۲ سوال برای آن بود که آنها را به چون آنان نمی اندیشیدند به قتل برسانند.

نویسنده مقاله در ادامه به بحث درباره این رفتار رژیم با دگراندیشان می پردازد که اگر کسی همانند ایدئولوژی وی نیندیشد مورد فشار و آزار قرار خواهد گرفت.

نویسنده در ادامه مطلب آورده است که رژیم ایران دشمن آزادی اندیشه بوده و آزادی اندیشه برای رژیم ایدئولوژیک ایران خطرناک است و در خاتمه از یونسکو می خواهد که در روز جهانی فلسفه، مسئولیت خود را در قبال کسانی که به خاطر اندیشیدن تحت آزار و فشار قرار گرفته اند، ایفا نماید و می نویسد کسی چه می داند، شاید در ایران نیز همانند چکسلواکی، فلاسفه و اندیشمندان به حاشیه رانده شده، به روند دمکراتیزه نموده کشور یاری برسانند.

منبع: guardian.co.uk

فراشد اضمحلال فرهنگی و بازداشت فعالان فرهنگی

کیهان یوسفی

وارد ادبیات سیاسی و معادلات سیاسی - اجتماعی مشرق‌زمین و به ویژه خاورمیانه گردید.

حق تعیین سرنوشت و تعیین و انتخاب سرنوشت زندگی با تشکیل واحد جغرافیایی - سیاسی تحت عنوان دولت ملی باعث مطرح شدن میثقی تحت عنوان منافع ملی گردید که جامعه و افراد را به طریق، شیوه‌ای هارمونیک به همدیگر گره می‌زد و تعلق را در میان آنها به وجود می‌آورد که خمیرمایه و مبنای این تعلق بر اساس فاکتورهای همچون زبان، فرهنگ، تاریخ، خاک، مذهب و ... مشترک تعریف و با همراهی اراده و خواست سیاسی مشترک به واقعیت عینی تبدیل می‌گردد.

توسعه طلبی یکی از گرایش‌های دولت است، دولت ملی نیز علاوه بر زیاده‌ی آن دارد تا برای ارضاء و توجیه، میل و علاقه‌ی خود به رشد و فراگیر شدن، بدان متوسل شود.

بیشتر دولت - ملت‌های کنونی میل زیادی به همسانسازی و یکدست کردن ملیت‌های گوناگون تحت سلطه فرمانروایی خود دارند و این استدلال

هر فردی به شیوه‌ای آگاهانه و در میان گروهی ویژه در پی شناخت و تعریف خود است. هویت (identity) در اصطلاح به معنای هستی، سرشت، ماهیت و وجود است. هویت ویژگی‌ها یا ماهیتی است که باعث تمایز یک فرد از دیگران می‌شود. در تقسیم‌بندی کلی می‌توان هویت را در دو سطح تعریف کرد:

۱- هویت فردی (individual identity)
۲- هویت جمعی (collective identity)

- در سطح فردی، هویت نقطه آغاز ورود به دنیای اجتماعی است و در سطح جمعی نیز نقطه اساسی بقاء، تداوم و بالندگی در میان اجتماعات دیگر است. هویت در سطح جمعی چندین قسم را در بر گرفته و هر فردی همزمان و به صورت عادی می‌تواند چندین هویت (جمعی) را بپذیرد. به عنوان نمونه تعلقات گوناگون همچون تعلق به خانواده، قبیله، دین، طبقه اجتماعی، ملت و ... هویت ملی همچون پدیده‌ای سیاسی - اجتماعی دستاورد عصر جدید بوده که در اواخر سده‌ی نوزدهم میلادی

که تفاوت‌های فرهنگی منبع غنای فرهنگی کشوری هستند و هویت ملی می‌تواند توسط پارادایم‌هایی با تفاوت‌هایی ظریف تعریف شود، استدلالی رایج و باب میل این دولتها به قصد عملی نمودن تئوری خود و ذوب این ملتها می‌باشد. مثال بارز این پدیده هم ایران کنیرالمه است، ایرانی که طی صد سال گذشته میدان بحث و نزاع میان دو گفتمان بوده و هست. گفتمان انحصار طلب و تمامیت‌خواه که قدرت و ابزار سرکوب را تحت اختیار دارد و می‌خواهد واحد جغرافیایی - سیاسی یکدست و همسان را بنا نهد و در برابر آن نیز گفتمان آزادیخواه و حق طلب ملیت‌های دیگر که خواهان تأمین حقوق مشروع خویش می‌باشند. گفتمان عدالت‌خواه کرد نیز در کردستان ایران، گفتمانی نیرومند است که از پیشینه‌ی طولانی و جایگاه اجتماعی گسترده برخوردار است و حاکمیت برای اضمحلال آن از روش‌های گوناگونی استفاده نموده است. از لشکرکشی و سرکوب و قتل‌عام و تبعید گرفته تا به کارگیری روش‌ها و پدیده‌هایی همچون

قوم‌کشی (ethnoicide) و زبان‌کشی (linguicide).

قوم‌کشی به مجموعه روش‌هایی گفته می‌شود که به منظور حذف و از بین بردن فرهنگ قومی و تحمیل فرهنگ قومی دیگر به جای فرهنگ آن قوم - بدون آنکه از حذف فیزیکی استفاده گردد - به کار گرفته می‌شود. همچنین زبان‌کشی یکی از متدهای قوم‌کشی است که دولت از طریق آن گفتمان انحصار طلب و تمامیت‌خواه (زبان حاکم) می‌خواهد زبان‌های ملل دیگر را از بین ببرد.

با کامل شدن این فرایند یعنی حذف فرهنگ، ملت به عنوان گروهی متمایز از بین می‌رود و در حلقه‌ی بزرگتر ذوب می‌گردد. علاوه بر سازمان‌های سیاسی و مبارزات‌شان (نظامی، سیاسی و...)، فعالان مدنی و فرهنگی نقشی برجسته را در تجدید حیات و ارتقاء سطح آگاهی جامعه ایفا می‌کنند. فعالان مدنی و فرهنگی با توسعه و ارتقاء سطح خودآگاهی جامعه، جامعه را از توطئه و برنامه‌های دولت و قدرت حاکم مطلع نموده و به شیوه‌ای مدنی در راستای غنی کردن و نیرومند نمودن گفتمانی

مدنی فعالیت می‌کنند. به همین خاطر این امر در چهارچوب ضدیت با گفتمان حاکم قرار گرفته و حاکمیت به هر طریقی می‌خواهد از این کار ممانعت به عمل آورده و از خود و کنش نشان می‌دهد. مثال عینی این افراد در کردستان نیز تاکنون مطرح است، تعطیلی مراکز فرهنگی وادبی، NGOها، روزنامه‌ها و مجلات، بازداشت و حبس فعالان این عرصه و تحت فشار قراردادن و ایجاد موانع بر سر راه آنان به قصد ترک کشور و ... می‌باشد.

در سال‌های اخیر نیز، سند شناسیت و فعال فرهنگی، ادبی، هنری کردستان توسط زمامداران رژیم بازداشت و در زندان‌های رژیم محبوس می‌باشند. "مختار هوشمند"، هنرمند و مسئول انجمن هنرهای تجسمی مریوان، که دوم خرداد اسامال بازداشت و در ۲۹ شهریورماه به ۱۶ سال زندان محکوم گردید.

"بهزاد کردستانی" شاعر و نویسنده و فعال مدنی که در سوم شهریورماه بازداشت شده و بعد از او نیز "عزیز ناصری" شاعر و نویسنده و مترجم فعال کردستانی در ۱۸

شهریورماه بازداشت گردید.

سه فعال فرهنگی و مدنی که در نیرومند کردن گفتمان حق طلب کرد و غنی نمودن زبان و فرهنگ کردی نقش اساسی را ایفا نموده‌اند. این گفتمان است که به سلاح نیرومند مردم و ملتی برای مطرح نمودن و مبارزه برای تأمین مطالباتشان تبدیل می‌شود.

گفتمانی که هویت ملی را تعریف نموده و به آن شخصیت می‌بخشد و ویژگی‌ها و تفاوت‌های خویش را در برابر گفتمان تمامیت‌خواه حاکم نمایان می‌کند و می‌خواهد آن اثرات و گرونی که حامل این گفتمان می‌باشند چون خود تعریف گردند. به همین خاطر حاکمیت انحصار طلب همچون تهدیدی به آن نگریده و به هر طریقی که برایش میسر باشد می‌خواهد آن را از بین ببرد. ولی جامعه کنونی کردستان و عصر حاضر دارای ویژگی‌های متفاوتی بوده و جامعه پویا و فعال کردی با استفاده از تکنولوژی نیرومند ارتباطات، روز به روز حلقه حاکمیت و سلطه گفتمان غالب را محدودتر نموده و رویایش را باطل می‌نماید.

ناصر صالحی اصل

بازخوانی معضلات معلمان در روز جهانی معلم



۱۳ مهرماه برابر با ۱۵ اکتبر هر سال، در روز جهانی معلم از نقش و زحمات معلمان تجلیل به عمل می‌آید و تلاش و کوشش و فعالیت آنها در راستای تعلیم و تربیت فرزندان ارج نهاده می‌شود. ما نیز در روز جهانی معلم به معلمان کردستان و ایران تبریک گفته و از تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر آنها در راه تعلیم دانش‌آموزان و دانشجویان تقدیر به عمل می‌آوریم. هر اجتماع و ملتی برای رسیدن به جامعه‌ای شکوفا و توسعه‌یافته، نیاز به پایه‌گذاری طرح و برنامه دارد تا بر اساس آن، بخش‌های آن جامعه ارگانیزه شود و در چارچوب آن طرح سازماندهی شده، تلاش و کوشش بسوی شکوفایی و رسیدن به جامعه پیشرفته و مترقی را طی نماید. کشورهای دمکراتیک در این ارتباط برای رسیدن به توسعه و شکوفایی، زیرساخت راه، تعلیم و آموزش نسل آینده می‌دانند، به همین دلیل برای قشر معلمان و کار ویژه‌ی تعلیم و تربیت ارزش زیاد قائلند و برای رشد و شکوفایی نسل آگاه و فعال، تمام تلاش خویش را به کار انداخته‌اند تا در جریان تخصیص بودجه کشور، بیشترین ردیف‌های بودجه را به معیشت و حقوق معلمان اختصاص دهند.

کشورما نیز از سال ۱۳۴۰ خورشیدی، جهت رهایی از رده‌ی کشورهای جهان سوم و رسیدن به توسعه و شکوفایی اقداماتی به عمل آورده که نزدیک به ۵۰ سال است در راه رسیدن به این اهداف تلاش می‌نماید. اما متأسفانه چه در رژیم پهلوی و چه در حاکمیت جمهوری اسلامی، معلمان همیشه مورد کم‌توجهی قرار گرفته‌اند، زیرا کمترین بها و ارزشی به اساسی‌ترین بعد توسعه و شکوفایی یعنی تعلیم و معیشت معلمان اختصاص یافته است. معلمان به مثابه‌ی عامل اصلی تعلیم و تعلیم نسل آینده در مدارس هستند، زیرا اساساً پایه‌گذار زیربنای شکوفایی جامعه، معلمان هستند.

اما در کشور ما متأسفانه این قشر مورد کم‌توجهی قرار گرفته‌اند.

مجموعه‌ای از معضلات و مشکلات باعث شده که این قشر شامخ جامعه، نتواند وظایف خویش را به نحو احسن انجام دهد، زیرا با مشکلات متعددی بر سر راه زندگی و شغل مقدس معلمی روبه‌رو گردیده است. معضلات اقتصادی معلمان: در کشورهای دمکراتیک، برای اینکه قشر معلم در جامعه بتواند با آرامش فکری، شغل مهم تعلیم و تربیت دانش‌آموزان را به انجام رساند، امکانات لازم برای معلمان تأمین می‌گردد. اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، معلمان به علت شرایطی نیستند که بتوانند معیشت در زندگی را از طریق حقوق معلمی تأمین نمایند، مجبورند پس از تعطیلی مدارس، جهت تأمین مایحتاج زندگی، در بازار آزاد شغل دوم و حتی سوم را جستجو نمایند. از این رو معلمان در رژیم جمهوری اسلامی، تنها به کار تدریس مشغول نیستند، بلکه معلم، راننده تاکسی، معازده‌دار یا کشاورز و ... نیز هست. بدین منظور معلمی که بایستی تمام وقت خویش را صرف مطالعه و کسب اطلاعات و دانش روز نماید تا با تدریس دروس، علوم نوین را به دانش‌آموزان بیاموزد، پس از تعطیلی مدارس مجبور است فکر و اندیشه خود را معطوف به یافتن لقمه نانی برای خانواده‌اش نماید. به همین دلیل چگونه باید انتظار داشت که دانش‌آموزی تحت تعلیم چنین معلمی تربیت شود تا در آینده کشورش را بسوی شکوفایی و توسعه رهبری کند. خودسانسوری و عدم آزادی برای معلمان: در اساس دانش‌آموز روحیه یادگیری دانش را دارد و به همین دلیل همیشه در جستجوی پاسخ سؤالات است. اما به علت فقدان آزادی بطور کلی در جامعه ایران و به‌ویژه در مراکز علمی مانند مدارس و دانشگاه‌ها، متأسفانه معلمان ناگزیر از خودسانسوری هستند. به‌ویژه در دروس رشته‌های علوم انسانی که سؤال برانگیز و سؤال‌آفرین نیز هست، خطوط قرمزی را در مدارس برای معلمان معین کرده‌اند. اگر معلمی این خطوط قرمز را رعایت نکند، به حراست اداره آموزش و پرورش یا به اداره‌ی اطلاعات همان شهر احضار می‌گردد، به همین دلیل اکثریت معلمان به خاطر همین مشکلات و

ایدئولوژیک با روحیه دانش‌آموز پرسشگر و کنجکاو در تناقض است. سؤال اساسی این است، آیا لازم است فکر و ذهن کودکان ۷ الی ۱۵ ساله را به جای آشنا نمودن با دروسی در مورد زیستن و لطافت زندگی، با تدریس موضوعات مرگ‌اندیشانه و موهومات ماورائی مشغول نمود، تا امنیت روحی و روانی نداشته باشند.

فقدان امکانات در مدارس: معضل دیگری که معلمان را ناامید و دانش‌آموزان را متضرر نموده، فقدان امکانات لازم برای تدریس در مدارس است. در حالی که امروزه بیشتر کشورهای جهان از تازه‌ترین روش‌های تعلیم و تعلم استفاده می‌کنند، در مدارس ایران همچنان از روش قدیمی و منسوخ‌گرفته مطلق، معلم و شنونده‌ی مطلق، دانش‌آموز استفاده می‌شود. همچنین امکانات آموزشی نوین مانند کامپیوتر، دی.وی.دی، استفاده از شبکه اینترنت و امکانات سمعی و بصری کمترین نقش را در کلاس‌های درس دانش‌آموزان و معلمان دارد. این معضلات از یک‌سو باعث به هدر رفتن پتانسیل معلمان به علت این نوع تدریس و نبود امکانات تدریس شده و از سوی دیگر باعث کم‌توجهی و بی‌علاقگی دانش‌آموزان در چنین فضای خسته‌کننده و تکراری می‌گردد.

تلاش برای به انحصار درآوردن روزافزون مدارس از ناحیه‌ی آخوندها: اگر چه از نخستین روزهای روی کار آمدن جمهوری اسلامی، این رژیم سعی نمود تا مدارس و مراکز آموزشی را به مراکز مذهبی و مرکز گسترش شیخ ولایت فقیه و گسترش نهادهای جاسوسی مانند "بسیج دانش‌آموزی" تبدیل کند، اما به این هم اکتفا نکرده و تصمیم دارد نقش آخوندهای حکومتی را در مدارس گسترش دهد تا باعث رشد افکار ارتجاعی در مدارس و کم‌رنگ شدن نقش معلمان در تعلیم و تربیت

دانش‌آموزان گردد. علاوه بر مشکلات ذکر شده و معضلاتی از این دست، مشکل قابل توجه دیگر، وضعیت معلمان حق‌التدریسی و پیمانی است. همچنان که گفته شد، حاکمان جمهوری اسلامی تاکنون نتوانسته‌اند معضل معلمان رسمی را حل و فصل نمایند، این مجموعه از معلمان که به صورت استخدام پیمانی به جمع معلمان پیوسته‌اند، مشکلاتی افزون‌تر از معلمان رسمی دارند.

با در نظر گرفتن معضلاتی که بیان شد و صدها مشکل بیان‌نشده‌ی دیگر که گریبانگیر معلمان است، بدین نتیجه می‌رسیم که معلمان برای دستیابی به حقوق و خواسته‌های خویش ناگزیر به انتخاب راه مقاومت و مبارزه مدنی گردیده‌اند. مبارزه‌ای که اگر چه چندین سال است با فراز و نشیب در جریان است، اما امروزه با گسترش فشار و خفقان علیه معلمان، استمرار و ادامه‌ی مبارزه ضروری است. اسامال با بازگشایی مدارس، فرصتی دیگر برای معلمان فراهم شد تا همراه با گسترش فشارهای بین‌المللی و داخلی بر رژیم، آنان نیز اعتراضات خود را گسترده‌تر نمایند و با همراه شدن جنبش معلمان معترض با اعتراضات همه‌جانبه‌ی سایر اقشار جامعه و جنبش‌های اجتماعی و ملیت‌های تحت ستم ایران برای همیشه کاخ شیشه‌ای دیکتاتوری ولایت‌فقیه را ویران نمایند.

اوچگیری مقاومت و مبارزات معلمان این نوید را می‌دهد که در سال تحصیلی جدید، شاهد اتحاد و همبستگی گسترده جنبش‌های اجتماعی مانند، دانشجویان، کارگران، زنان و معلمان باشیم تا از به هدر رفتن پتانسیل جنبش‌های اجتماعی کاسته و با همصدایی و اتحاد و همبستگی توده‌ها در برابر رژیم جمهوری اسلامی بایستیم.

سلام اسماعیل پور

توهم و دروغ، ارمغان احمدی نژاد برای جهان



مراسم گردهمایی سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یک بار دیگر تبدیل به آوردگاهی شد که در آن جامعه بین‌المللی چشم به سخنرانی‌ها، حرکات و رفتارهای محمود احمدی نژاد و رژیمش دوخته بودند تا دریابند که ره‌توشه‌ی این بار آنان برای جهان چیست؟

احمدی نژاد در این سفر نیز همانند سفرهای قبلی توانست وظیفه و نقش خود را به عنوان یک شومن، و نه رئیس جمهور یک کشور ایفا نماید و با اظهاراتی عجیب و غریب در کانون توجه رسانه‌ها قرار گیرد. در واقع هدف احمدی نژاد از حضور سالانه‌اش در این گونه مراسمات نه نشان دادن رغبت و اراده‌ی جمهوری اسلامی مبنی بر پذیرفتن تعهدات بین‌المللی‌اش در رابطه با حل معضلات و موانع موجود بر سر راه بشریت، بلکه فریب افکار عمومی و انحراف اذهان جهانیان از سیاستهای اخلاص‌گرایانه‌ی جمهوری اسلامی از طریق اظهارات غیر مفید و بی‌ارزشی است که برای مدتی سیاستمداران و رسانه‌های غربی را به خود مشغول نماید.

احمدی نژاد در سخنرانی امسال نیز همانند سنت سابقان پیش خود ناگزیر شد چندین بار با عباراتی چون "دوستان عزیز"، "خانم‌ها و آقایان" و "همکاران گرامی"، "صندلی‌های خالی سالن مجمع عمومی را مخاطب

قرار داده و برای آنان سخنرانی نماید، زیرا نمایندگان بسیاری از کشورهای جهان حاضر به شنیدن نصایح وی درباره‌ی روش نوین مدیریت جهانی! نشده و سالن را ترک نمودند. وی در ابتدای سخنانش ضمن مروری ناقص و نارسا بر تاریخ جهان، بدین نتیجه رسید که پس از حدود یکصد سال، نظام سرمایه‌داری و مدیریت جهانی موجود به پایان راه خود رسیده و

توانایی پاسخگویی به ضرورت‌های زمان را از دست داده است. در همین حین نیز از دو نکته‌ی اساسی به عنوان عامل انحطاط سرمایه‌داری یاد کرد که اولی "انحراف از مکتب انبیا" و دومی "مدیریت جهانی و ساختار قدرت" بود. مقصود وی از این دو عامل صرفاً یادآوری این ادعا بود که یگانه بدیل مناسب برای سرمایه‌داری و تنها

روش مدیریتی که تمامی کشورهای جهان بایستی بدان گردن نهند، مکتب "ولایت فقیه" به عنوان ادامه‌ی "مکتب انبیا" و نظام جمهوری اسلامی برای مدیریت جهان است. احمدی نژاد جهت تفهیم بهتر مطلب، تلویحا خود را با پیامبران اولوالعزم همچون ابراهیم، نوح، موسی، عیسی و محمد مقایسه نموده

و رهبران سایر کشورهای جهان را به نمرود، فرعون و مخالفان عیسی و محمد تشبیه نمود. لیکن آنچه که بیش از همه، افکار عمومی را در غرب دچار شوک نموده و در حیرت فرو برد، مطرح نمودن این سخنان بود که حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر بر خلاف نظریه‌ی رایج، توطئه‌ی بخشی از دولت آمریکا جهت ایجاد تغییر در روند نزول اقتصادی آمریکا و سلطه‌ی این کشور بر خاورمیانه و همچنین نجات اسرائیل از فروپاشی و نابودی بوده است.

احمدی نژاد این نظریه را متعلق به اکثریت مردم آمریکا، ملت‌ها و سیاستمداران جهان دانست. پس از انکار هولوکاست، این مهم‌ترین شوک وارده از ناحیه احمدی نژاد علیه غرب، به ویژه آمریکا بوده که نشان داد احمدی نژاد و رژیمش برای نیل به اهداف خویش، ابایی از تحریف و انکار واقعیت‌های تاریخی نداشته و از این بابت هرگز احساس شرم بر آنان مستولی نخواهد شد. واکنش منفی نمایندگان کشورهای جهان و رسانه‌ها، آن هم درست هنگامی که اعضای ۵+۱، به ویژه آمریکا و شخص بازار اوباما در انتظار بازگشت رژیم به میز مذاکرات بودند، تمامی توهمات و رویاهای لایسته‌های رژیم برای برقراری سازش و مذاکره میان جمهوری اسلامی و آمریکا را نقش بر آب نمود.

شاهد این مدعا، گفتگوی اوباما با بخش فارسی تلویزیون BBC بود

که نشان داد خوش‌باوری آمریکایی‌ها در رابطه با اصلاح پذیری ماهیت و ذات جمهوری اسلامی به پایان رسیده است. اوباما در این گفتگو بیشتر مردم ایران را مخاطب قرار داد و اظهارات احمدی نژاد را "توهین آمیز و نفرت‌انگیز" خواند.

این اظهارات بیانگر آن است که پیام نوروزی ۱۳۸۸ اوباما به رهبران رژیم احتمالا دیگر هرگز تکرار نخواهد شد و احمدی نژاد عملاً میخ آخر را بر تابوت مذاکرات کوبیده است. طنز دیگر در سخنان احمدی نژاد این بود که وی پیشنهاد نمود سال ۲۰۱۱ به عنوان "سال خلع سلاح اتمی" و "انرژی هسته‌ای برای همگان، بمب اتمی برای هیچکس" نامگذاری شود.

این در حالیست که بر اساس اطلاعات سازمان‌های جاسوسی غرب، احتمالاً جمهوری اسلامی در همین سال به جنگ‌افزار اتمی دست خواهد یافت. بر این اساس جهانیان اگر زبان دیپلماتیک احمدی نژاد را دریافته باشند، باید از هم‌اکنون احساس خطر نموده و این پیشنهاد را به عنوان تهدیدی جدی تلقی نمایند. بنابراین هنگامی که احمدی نژاد به خبرنگار تلویزیون "فاکس نیوز" می‌گوید: "من نتیجه‌ی دموکراسی هستم"، ضروری است که جهان این نکته را دریابد که مقصود وی از "سال خلع سلاح اتمی" چیست؟

فاتح صالحی

ایران و بحران تحریمها



به دنبال روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در ایران، غرب و بخصوص ایالات متحده‌ی آمریکا مجموعه‌ای از تحریم‌ها را علیه ایران تصویب کردند، اما با شروع جنگ هشت ساله میان ایران و عراق این تحریم‌ها به حاشیه رفتند و به شکلی عملی به اجرا درنیامدند.

امروزه بعد از ۳۱ سال از آن تحریم‌های ضعیف، مدت نزدیک به ۴ سال است که این تحریم‌ها بیشتر مدنظر قرار گرفته و حتی زیاده‌تر شده است. هر چند ایران در این مدت به خصوص در دهه‌ی ۷۰ شمسی توانست تحریم‌ها را با سود گرفتن از بازار خرید دوم و سوم تا اندازه‌ای مشخص خنثی سازد. این مسئله هم به عدم هماهنگی میان کشورهای تصویب‌کننده‌ی تحریم‌ها علیه ایران برمی‌گشت. چرا که از این طریق آن دسته از کشورها مواد لازم بازار مصرف ایران را به آن کشور روانه می‌کردند و سود قابل توجه و چندبرابری در بازرگانی با ایران به دست می‌آوردند. از این سو هم رژیم تهران به خاطر بقا و تسلیح خود، نبوده و آن درآمدی را که می‌بایست به سید سران‌های مردم واریز شود، یکسره روانه‌ی بازارهای اروپا، آسیا و حتی آمریکا می‌کرد. این فرآیند تا آشکار شدن فعالیت‌های مخفی ایران برای غنی‌سازی اورانیوم که به مدت ۱۸ سال دور از نظار عمومی و ناظران آژانس بین‌المللی نیروی اتمی، در مراکز مخفی ایران انجام می‌گرفت، ادامه داشت. اما پس از این رویداد و

دیگر تا اندازه‌ای سختگیرانه‌تر بود، به‌خصوص که همه‌ی کشورهای عضو سازمان ملل متحد را به اجرای کامل آن ملزم می‌ساخت. این مسئله هم سبب شد که برخی از دوستان و هم‌پیمانان استراتژیک رژیم تهران از این کشور روی برگردانند.

برای نمونه به جز کشورهای خلیج فارس، کشور روسیه که به شکلی مستمر مدافع ایران بوده و عملاً بارها از تصویب قطعنامه‌های اینجینی علیه ایران جلوگیری می‌کرد، به صف کشورهای تحریم‌کننده‌ی ایران پیوسته است. دستور عدم فروش سیستم ضدوشکی S300 و چندین نوع ابزار و ادوات جنگی دیگر مثل سامانه‌های دفاعی، هوایی و دریایی که در لیست سازمان ملل متحد فروش آنها به ایران ممنوع اعلام شده، نشان دهنده‌ی این واقعیت است که حتی کشوری همانند روسیه نیز دریافته است که رژیم ایدئولوژیکی همچون جمهوری اسلامی ایران اگر توانایی ساخت بمب اتمی را داشته باشد، قبل از همه‌ی کشورهای دیگر خطری برای روسیه محسوب می‌شود، چرا که روسیه به خوبی دریافته است که ایران چگونه توانسته است میان سیاستمداران مسکو نفوذ کند و چگونه گروه‌های افراطی را در منطقه‌ی آسیای میانه و قفقاز تجهیز و مسلح کرده است.

در روزهای اخیر کشور ترکیه هم اعلام نمود که به قطعنامه‌ی چهارم شورای امنیت متعهد می‌شود و دوشادوش کشورهای جهان تحریم‌ها را علیه ایران به اجرا درمی‌آورد. هر

کاملاً احساس کرد این قطعنامه‌ی جدید می‌تواند توانایی این کشور را در تأمین نیازهای خود با مشکل مواجه سازد. از همین رو، به شکلی همه‌جانبه دیپلماسی خارجی خود را به کار انداخت تا جلوی تصویب این قطعنامه را که مجموعه‌ای از تحریم‌های هدفمند علیه برنامه‌های هسته‌ای و نظامی ایران را شامل می‌شد، بگیرد. اما برخلاف تلاش‌های دستگاه دیپلماسی ایران، چهارمین قطعنامه‌ی شورای امنیت علیه برنامه‌های اتمی و نظامی ایران در مورخه‌ی ۹ ژوئن ۲۰۱۰ تحت عنوان قطعنامه‌ی ۱۹۲۹، با اکثریت آرای اعضای شورای امنیت به تصویب رسید.

ملل متحد علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران به منظور پیشگیری از دستیابی به تکنولوژی ساخت بمب اتمی از سوی رژیم آخوندی تصویب شد. اما این تحریم‌ها هم به گونه‌ای نتوانستند تأثیرگذار باشند. به همین دلیل بحران هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، کشورهای عضو شورای امنیت را متقاعد ساخت که تحریم‌ها باید هدفمندتر باشند تا ایران نتواند از راه سومی آنها را دور بزند، مسئله‌ای که برآیند ناهماهنگی در میان کشورهای غربی، آمریکا و آسیا بود. اما پس از کار و مطالعات بی‌وقفه‌ی کشورهای ۵+۱، به خصوص فرانسه، بریتانیا، آلمان و آمریکا، طرحی تازه از تحریم‌ها به شورای امنیت سازمان ملل تقدیم شد. ایران در این مورد

شناخت همه‌جانبه‌ی ایران از سوی مقامات غربی، کار ایران را برای تأمین نیازهای خود، به خصوص در زمینه‌ی اتمی و نظامی تا اندازه‌ای دشوارتر ساخت. اما ایران توانسته بود از راه تأسیس شرکت‌های مختلفی به خصوص در کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس و جنوب شرقی آسیا، نیازهای خود را برای دستیابی به بمب اتمی تأمین نماید. این مهم در حقیقت دور زدن تحریم‌ها و به گونه‌ای سوءاستفاده کردن از سیستم مالی و اقتصادی جهانی به شمار می‌آید. امری که کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا را وادار ساخت که تحریم‌های دقیق‌تری علیه ایران به اجرا دریاورند. به همین منظور سه قطعنامه در شورای امنیت سازمان

چند این سخنان تنها ظاهر قضیه بوده و به شکلی عملی احتمال اجرای آن وجود ندارد. چرا که کشور ترکیه در شرایط کنونی می‌تواند به بهترین شکل جیب مقامات رژیم جمهوری اسلامی را خالی کند و سود مضاعفی ببرد، لیکن از سوی دیگر نیز اگر احساس نماید منافع آن کشور با آمریکا و کشورهای غربی به‌ویژه در مورد پرونده‌ی عضویت ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا به خطر می‌افتد، با اطمینان خاطر هرگز منافع و مصالح خود را برای مقامات ایرانی فراموش نخواهد کرد و ایران را تنها خواهد گذاشت. البته باید این نکته را نیز ذکر کرد که ترکیه به تنهایی نمی‌تواند در همه‌ی زمینه‌ها به ایران کمک نماید، از همین رو احتمال دارد از سوی کشورهای غربی تحت فشار قرار نگیرد. در اینجا، تنها کشور چین باقی می‌ماند که ایران به طور کلی روی این کشور حساب ویژه‌ای باز نموده و در شرایط کنونی تنها کشور چین است که عملاً تحریم‌ها را علیه ایران به اجرا در نمی‌آورد.

اما این اوضاع نمی‌تواند ادامه پیدا کند، چرا که آمریکا و غرب آنقدر کارت فشار برای اعمال فشار بر چین در اختیار دارند که در موقع نیاز و در دقیقه‌ی ۹۰ آن را به کار بیاندازند. بر همین منوال تصور می‌رود که تحریم‌ها روزه‌روز رژیم تهران را در مضیقه قرار دهند و رژیم آخوندها را با شرایطی دشوارتر روبرو سازند.

در راه همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم



شناختی منقطع و ناتمام

باران

خوانش اشتباه از نظام جمهوری اسلامی از پدو تاسیس تا به امروز ادامه داشته و اگرچه احتمالاً به موجب برخی از عوامل اساسی همچون ارتقای سطح دانش، پارادایم شدن رواج فردگرایی در جامعه و گسترش ابزارهای ارتباط جمعی و بسیاری عوامل دیگر و در صدر همه، آزمون خود این سیستم، خوانش درست از این نظام افزایش یافته باشد، اما ماهیت موضوع که خوانش اشتباه است، به قوت خود باقی است. امروزه، شمار بیشتری از مردم در جهان، منطقه و داخل کشور از این رژیم شناخت یافته‌اند، افکار عمومی کشورهای غربی به سبب بازبودن جامعه بسیار به دولتهایشان نزدیک می‌باشد که جمهوری اسلامی را به عنوان حامی تروریسم و ناقض حقوق بشر می‌شناسند، در خاورمیانه غالب مردم شکی در دخالت‌های مخرب این رژیم در امور منطقه ندارند و در داخل ایران نیز سرکوبگری و گردنکشی رژیم بر اکثر مردم روشن و انکارناپذیر است.

رژیم جمهوری اسلامی شناخته شده است، اما این شناخت از سویی منقطع و از دگر سوی ناتمام می‌باشد، به طوری که موجب بازتولید عدم شناخت نسبت بدان می‌شود. منقطع است، زیرا کشورهای اروپایی بیشتر به جنبه‌ای از سیمای رژیم توجه دارند که مستقیم یا غیرمستقیم به منافع ایشان مرتبط باشد و همین رویکرد برای سایر نقاط جهان نیز صادق است. برای مثال، کشورهای منطقه، از کشورهای غربی گرفته تا پاکستان و یا کشورهای قفقاز احتمالاً علیه دخالت‌های تروریستی این رژیم صراحتاً و قاطعانه موضعگیری نمایند، اما در کل تحت تأثیر دمکراتیک نبودن کشورهای خود، به قدر کافی از نقض حقوق بشر در ایران نمی‌گویند. این انقطاع به امتیازی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده تا نهایت سوءاستفاده را از این موقعیت به عمل آورد و گوشه و کنار جهان را بپایند تا اگر کشوری رانده شده و غیردمکراتیک یا سرکوبگر و انحصارطلب و یا جنبشی مخالف و متعصب، چه قوی و چه ضعیف مانده باشد که بدان بی‌برده باشد، آنرا یافته و به متحد خود بدل سازد. چرا در بی غیرمنطقی‌ها و متعصب‌ها می‌گردد؟ زیرا خود غیرمنطقی و خالی از روح توراتس می‌باشد.

از دگر سوی شناخت از جمهوری اسلامی ناتمام است. خبرگزاری "جرس" چند روز قبل طی خبری گزارش داد که وظایف سرکوب تظاهرات، کنترل احزاب، فشار بر فعالان سیاسی، از هم پاشیدن اعتصابات کارگری یا دانشجویی، مقابله با جنبش‌های قومی (منظور ملیتهای تحت ستم)، مذهبی یا صنفی، زنان، کنترل زندانها، بازجویی و اعتراف‌گیری از متهمان به طور منظم به سپاه پاسداران واگذار شده است.

این خبر سایت "جرس" صحیح است، اما اطلاعات ناقص به خورد مخاطبانش می‌دهد، زیرا این تصویر را در ذهن مخاطب ناآگاه ایجاد می‌کند که این روندی جدید پس از گذشت بیش از سی سال است. این در حالیست که با تشکیل جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران نیز برای انجام یک وظیفه‌ی اصلی که آن هم دفاع از جمهوری اسلامی بود، تشکیل شد. تا دیروز متعصبین مذهبی که، فجایع، سرکوبها و قلع و قمعهای آینده را پیش‌بینی نمی‌کردند و نمی‌دانستند که وعده‌ی تاسیس حکومت اسلام ناب محمدی جای خود را به کشتار مردم در راستای دفاع از فسادها و فقرهای موجود می‌دهد، موج به تبعیت از دستورات امامشان خود را به کشتن می‌دادند، اما امروز موج عظیم مردم معترض متوجه رژیم است، بنابراین وظیفه‌ی سپاه پاسداران اصلاً دچار تحول شده است، بلکه تنها حوزه‌ی عملیاتی‌اش دستخوش تغییراتی شده است. همچنین، هنگامی که ولی‌فقیه بر اساس قانون همه‌ی قدرتها را در اختیار دارد، روشن است در صورت لزوم از قدرت خود به نحوی که خود تشخیص می‌دهد، استفاده خواهد کرد. بنابراین، اشتباه است که همچون "جرس" بگوییم، جمهوری اسلامی به سوی ولایت "مطلقه" در حرکت است، زیرا از بدو تاسیس چنین بوده است.

منقطع و ناتمام بودن شناخت از جمهوری اسلامی پس از گذشت سی و یک سال، بیانگر این واقعیت است که مبارزان راه آزادی در ایران بایستی خوانش کلیه‌ی جوانب امر، گامهای بیشتر و محکمتری در این عرصه بردارند.



هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

هنرمند ملی و محبوب ملت کرد محمد جزا، به دلیل ابتلا به سرطان پانکراس و تحمل یک دوران بیماری سخت، در نهمین روز ماه مهر، دیده از جهان فروبست. او هنرمندی بود که نغمه‌های کوهستان و رایحه‌ی مبارزات را از آلاله سینه شهیدان برگرفته و به گوش جان ملت خویش میرساند و با طنین رسا، پراحساس و حماسی خود آغوش بروی کردستان زخمی اما همچنان ایستاده، پابرجا و سرفراز گشوده بود. پیشمرگ، مبارزات ملی، مقاومت و مبارزه، تا آخرین روزهای حیات ارزشمند ایشان جوهر اصلی و محتوای اشعار آوازه‌ایش بوده و همین خصلت برجسته نیز موجبات محبوبیت بیشتر او را نزد هم میهنانش فراهم نموده بود. او به ملت خویش اتکا نمود و نغمه خوان حرمانها، آلام و رنجهای آنان شد و بدون شک ملت کرد نیز هرگز یاد و نام این هنرمند متعهد و محبوب را فراموش نخواهد کرد.

وحشت از جنگ‌های سایبری جهان را فرا گرفت

به دنبال حمله‌ی کرم کامپیوتری استاکس نت به تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی، نگرانی از ورود به دوران جنگ‌های سایبری، آمریکا و اروپا را فرا گرفت، به طوری که روسیه پیشنهاد امضای "پیمان چندجانبه منع جنگ‌های سایبری" را مطرح کرده است.

به گزارش "زودویچه‌سایتونگ" پیش از این و در سال ۲۰۰۷ میلادی سرویس‌های اطلاعاتی روسیه، شبکه‌های اینترنتی استونی و لهستان را مورد حمله قرار داده و از کار انداخته بودند. اخیراً ناتو در نسخه استراتژیک تازه‌ی خود در برابر تبدیل فضای مجازی به میدان جنگ واکنشن نشان داده است. ایالات متحده آمریکا نیز یک فرماندهی سایبری تاسیس کرده و ارتش آلمان گردانی از رزمندگان کامپیوتری را به خدمت گرفته است.

این گزارش حاکیست، جنگ سایبری می‌تواند به همان ویرانگری جنگ‌های نظامی بوده و حتی به قیمت جان انسانها تمام شود. ویروسی مثل استاکس نت توان خرابکاری در کارخانجات شیمیایی و خطوط لوله و گاز و فلج کردن کامل یک کشور را دارد.

مشکل اصلی در حملات سایبری از آنجا ناشی می‌شود که منشأ آغاز و هدایت آنها را به سختی می‌توان پیدا نمود.



تجلیل از خدمات هنرمندان کردستان در اربیل

برابر با روز جهانی موسیقی، سالن "پیشوا" اربیل مراسم تجلیل از هنرمندان برجسته‌ی کردستان بود.

داد، در این مراسم که به همت وزارت فرهنگ و جوانان اقلیم کردستان دولتی، روشنفکران و هنرمندان کردستان خدمات هنری ۱۷ تن از هنرمندان تقدیم گردید.

حسن سیساوه‌ای، محمد اربیلی، دلیر ابراهیم، زرگار محمد رؤف، جمال محمد ادیب، محمد زکی محمد رؤف کرکوک، صابر وهاب بودند. این هنرمندان اربیل، دهوک و کرکوک

هنرمندان حاضر در این مراسم، اقدام حمایت و تجلیل از و مثبت ارزیابی نمود.

جهانی موسیقی، وزارت کردستان هدایایی به پاس به گروهی از آنان تقدیم

خواننده و هنرمند متعهد کردستان، به مبارز دیرین نامگذاری شده بود

روز یکشنبه یازدهم مهرماه، قاضی محمد" در اربیل کردستان بود.

سایت خبری "پیامبر" گزارش فرهنگ و جوانان اقلیم کردستان دولتی، روشنفکران و هنرمندان کردستان خدمات هنری ۱۷ تن از هنرمندان تقدیم گردید.

هنرمندان مزبور شامل پاکوری، عدنان جمال، عثمان کیمه‌ای، هیوا مصطفی عبدالله، زاهد بریفکانی، عبدالقادر، هوار میکائیل، شکر خیاب، کردستانی، حسن هیاس و محمود همگی از اهالی مناطق سلیمانیه می‌باشند.

حسن سیساوه‌ای، از مراسم در گفتگویی با حکومت اقلیم کردستان در هنرمندان را دلگرم کننده همه ساله در روز فرهنگ و جوانان اقلیم خدمات هنرمندان کردستان، می‌نماید.

مراسم امسال به یادبود محمد جزا، نام این هنرمند فقید و

تحلیل آبهای زیر سطحی، جهان را به

سوی قحطی و جنگ سوق می‌دهد



نتایج یک آمارگیری بین‌المللی از سطوح آبهای زیرزمینی جهان، حاکی از کاهش سریع این منابع است. بنا به گزارش VOA، پژوهشگران در این آمارگیری پیش‌بینی کرده‌اند که به دلیل اتکای کشاورزی جهان به منابع آب زیرزمینی، ادامه روند کنونی و کاهش شدید منابع آب زیرزمینی جهان، به بحران‌های جدی‌تر منجر خواهد شد.

مارک بیرکنز، استاد دانشگاه اوتریش هلند و پژوهشگر ارشد این تحقیق می‌گوید: "اگر جمعیت در مناطقی رشد کند که نیازهای آنان تنها با استفاده از آبهای زیرزمینی برطرف می‌شود و فرصتی نیز برای جایگزینی این منابع وجود ندارد، جهان در آینده نزدیک شاهد گرسنگی، قحطی، شورش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی خواهد شد."

بر اساس ارزیابی دانشمندان از نتایج این پژوهش، روند تحلیل منابع آب بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ به دو برابر افزایش یافته و از سالانه ۱۲۶ کیلومتر مکعب، به ۲۸۳ کیلومتر مکعب در سال رسیده است.

گفتنی است، میزان ۳۰ درصد از کل منابع آب شیرین جهان را منابع آب زیرزمینی تشکیل می‌دهند.